

حضرت آیت‌العظمیٰ مجاہد کالقافی

۱۱۰۱۱۰
۲۶

در روز دوشنبه ۱۱/۱۱/۱۱۰۱۱۰
با حضور حضرت
مجلس قاضی اعظم

سیرت حضرت سلام و ارادت به عرض حضرت عالی نرسیده

اگر جنابعالی و دیگر علما توانی را که از طرف حقوق دانان تهرینی و تقویب بیشتر دازید به گاه اسلامی بفرمایید
نتیجه این خواهد شد که طرح آگهی کشمکاران با هم پیچیده نمی شود و بحسب اینکه اگر دشمنان اسلام در مدت
زمان از طریق این قانون به تدریس برسند همان فزاینده کرد که در گذشته میکردند. بنده سعی کردم نقدی بر این طرح
بنویسم و دوازده اصل از حقوق اسلامی را از قرآن بیان کنم و ۴۹ ماده از آراک استخراجه کنم برای ایالات. بنظر
من اگر ملت ایران بتواند و عهدت خود را برابر قرآن و قوانین بکلی در رایج حفظ کند بهتر از این است که دولت
مؤکزی با ارسال نماینده کافیه نخواهد از هر طرف تقاضای استانرا کنترل کند و به اساس تارشی حق و تو بود هر در
حالی که چندین نفر که شاید از اراک هم بهتر میفهمند و مملکت را دوست دارند آن قانون را تصویب کرده باشند.
اسمیه و اربابم حضرت عالی بفرمایید طرح خود بخشایم ها را که در اطلاعات شماره ۱۵۸۴۲ مورخه ۲۹/۲/۵۸۱۲۱ آمده است
مطالعه و با نقدی که بند ارسال داشتیم تطبیق به دهند و بآنجایی که بتواند حقوق استان و ملت را در عهدت
دهد بطوری بکنند

۱. السلام مملکت و در عهدت الصوب کاتنه

طاهر دستان

لطفاً اگر امکان داشت جوابی در مورد رسیدن این نامه به آدرس زیر بفرستید

TAHER.D
40 Boscombe RD
UXBRIDGE RD. London W12

«مجلس قاضی اعظم و زمانه ما»

بررسی طرح: پیشنهادی خود مختاری های استانها از سوی وزارت کشور (اطلاع شماره ۱۵۸۴۲ مورخه ۱۹/۲/۵۸)

۱- کسب اذیت و دردتان یک طرح نیمه روسی و نیمه آکویکالی تمدین کرده اند شامل ۹۱ ماده و ضمیمه تذکره و تبصره به آن است که کلیتاً اصولی از اصول اسلامی و یا بنیادهای خودشان از بنیادهای انقلاب اسلامی، را در نظر گرفته باشند. این امری که بطور اجمال برای طرح وارد است

۲- طایفه بانام رئیس جمهور تاکنون برکنده تا در تمام سونات مملکت دخالت کند و بر امور بنام نامی ایشان شروع شود
۳- طرح ملی یک بابت ادارای است که اعضای آن از بالا به پایین انتصابی می باشند و لذا رفیق بازی و با نوبت بازی و ویژه از خصوصاً زمین چمنی جای
میتواند باشد که این طرح را بپذیرفته است
۴- با توجه به اینکه اکثریت اقله بیرون را جوانان تشکیل داده اند حکومت در ۵۰ ساله ها و پنج ساله های باقی

بجای و در حال انتصابی شهرها (السلام شرط حکومت را در املیت و معدل میدانند نه شرایط سنی در همه اسلام هم همین استباه را بعضی در مورد علی محمودی بجا آورده عمل سالم و معلم و منطبق هم شرایط سنی را قبول ندارد. یک جوان میتواند در سن ۲۵ سالگی استاد دانشگاه بشود چنانچه هشتاد یک جوان ۲۵ ساله دارای حقوق بیشتر تا یک ۵۰ ساله است این شرط سنی باطل است)
۴ ماده ۲۴ اعلام نموده بکنیز پیش از دوره می تواند انتخاب شود. این شرط هم نه اسلامی است نه علمی نه عقلی. به هر دلیل کسی که دارای تجربه بیشتری می باشد و مورد اطمینان مردم و ملت شکر در دره سوم در همان شهر و استان خودش می تواند انتخاب شود. اگر منظور اینست که بعضی از اشخاص وقتی قدرت گرفته سوره استغافه خواهند کرد ضمیمه اشخاصی نباید انتخاب شوند و اگر نه نه وجود ضمیمه معنی را در آورده اند در همان بود خدمت گذری را خواهند خواست. (بنظر من آگاهان کشاوران با در نظر گرفتن شرایط سنی ۵۰ ساله و در دوره پیشوند منظور اینست که کسی به مقامی برسد و بعد از دوره سستی میشود. و سال و پس بطور طبیعی خواهد نمود و شریک هم از سر خلق اله گفته خواهد شد ضمیمه معنی را در آورده اند. (۵- رهبر انقلاب در همان انقلاب از روحانیت کرده مردم مسلمان و مؤمن بر انقلاب اسلامی. رژیم هم از طرف مردم اسلامی تانیه سن ولی هیچ در قانون شخصی نشده که نمایندگان و مجریان و مقامات بر عقیده می باید دانسته باشند باز قانون منوط به تبلی لایق اعلام کرده بود که وزراء و نمایندگان باید مسلمان باشند

۶- دو دولت در یک سرزمین (بیت به در فرائی) ۷- تضاد شده به دو نیروی حاکم بر استانها بجا آورده قدرت طلبی و حاکمیت دولت مرکزی
بررسی خصوصیات طرح بجای زیر است: الف- مجریان

۱- استانها نماینده رئیس جمهور است (نماینده انتصابی) در مقابل آن مقام صبر که نماینده انتصابی مردم است قرار دارد
اگر مقام استانها بالا تر است چرا که ندارد به انتخاب مردم نباشد؟ اگر مقام صبر معجزان مجری بال تر است چرا استانها تحت نظر صبر و به انتخاب
و می نباشد. اگر استانها رابط استان و دولت است چرا نامی را استانها گذاشته اند

۲- از سوی وزارت کشور برای بر شهر یک کار گزار و از سوی وزیر برای هر وزارت خانه ای در استانها نماینده انتصابی که زیر نظر استانها کار خواهد کرد. در مقابل این هیئت دولتی یک هیئت مرکب از صبر در حالیکه به انتصاب صبر و شورای میسران هستند در رأس موسسات قرار میگردد
(بنام هیئت پیشکاران) کدام یک از این دو گروه صاحب قدرت هستند. این دو گروه در آئین به کنش ادارای خواهند پرداخت و هر اس
ضد آن زکرت کارهای استانها و اثر بامت جهت گیری و قدرت حکام از یکدیگر خود جلب

۳- وزیر رئیس جمهور بر می. بکنیز را بعنوان معاون برای پیشکاران انتخاب خواهند کرد. این ماده قدرت را را تضعیف میکند و به قدرت در
حیات خواهد و باز بامت کنش میشود اگر پیشکاران صلاحیت دارند چرا معاونینی خود را خود انتخاب نکنند اگر ندارند چرا انتخاب کردند
مگر میشود یکسب بگونه شما مجری معاون شما را من انتخاب میکنم. معاون تقریباً باینی زیر دست رئیس باشد در انجام کارها
۴- استانها در مقابل قانون در صورتیکه به کتف قانون شورای میسران خلاف بر قانون اساسی و سیاست دولت است می و تو آن قانون
این ماده قانون از یک طرف کل قدرت استان را در مقابل دولت مرکزی یعنی میکنند از طرف دیگر این به ادعای است که بکنیز قانون اساسی و منابع
مملکت و ملت و دولت را بهتر از این جمع کنیم که محمد اطمینان و انتخاب مردم هستند مفیده امل این می و می بر نماینده گان شورای
میسران است - آنچه که تاکنون بعنوان قانون و ماده برای استانها بیان شده مثل قانون حکومت می باشد که میخواهد استان را در تارهای خود محکوم بر
حکومت کند و این طرح یک نقطه تاخیری است

ب: رابع به تیره قضائیه

۱- قضای از طرف رئیس جمهور و قوه قضائیه بر استانها انتصاب میشود و قضای دادگاه را در مرکز استانها انتخاب میکند
۲- قضای و دادستان به موجب اهل استقلال قوه قضائیه از تغییر و تبدیلی به موجب رضایت خود مصون هستند
اگر رئیس جمهور بکنیز را بعنوان استانها بر استان فرستاده می نمود می دارد قضای را هم او انتخاب میکند. این مورد منطقه هستند که تقصیر

که قاضی عادل است یا ضعیف و اینها انتصاب یا باینکه بر این استندار و به تقوی مردم یا شورا نمودن است. دادگاه حکم شایسته (مدنی العوم) را دارد و به مردمی
باید به انتصاب قاضی باشد در چنین صورتی باینکه و یا اطاعت و در میان از قاضی حکمی است هیچ بلکه نزدیکی به یقینی است
اگر قاضی ظالم و در استان بی کفایت بود باینکه مردم یا شورا مردم بتوانند آنرا را تعویض کنند (البته دولت غیر) نه اینکه اینها در صورت
باشند و مجاری از قدرت بیجا و مردم باشد قدرتی که بفرع قاضی است نه مردم

۳- یک شهر بانی مشکل از شریانی و کار در بی برابر تو که قضائیه بر این مجری سیاسی و قضائیه
۴- یک شهر بانی در شهرها مشکل از افراد محلی تحت نظارت قوه قضائیه و شهرداری بر این مجری سیاسی و قضائیه
۵- هر دو شهر بانی مرکزین در یکجا خواهد بود. بر این می بود قدرت در یکجا محلی جمع گردانند و چو اینها هر دو قدرت در این یک شکل و
یک ماهوریت هتند. به هر دلیل رئیس یکی به انتخاب شهردار و دیگری از طرف دولت است این بی اعتمادی از یکجا به حقیقت میگرد
۶- هر دو قدرت (شهر بانی ها) می رسد یکی و تعقیب مجری را دارند که آثار تبعی جراسم آنان برانست قضائیه و سیاسی و ملکات هتند
است قضائیه قابل توجیح است است سیاسی ملکات شخصی نیست. اگر منظور جاسوسها هتند که شخصی کنند چه کاری ستون پنجم و
جاسوس هتند تا مردم هم در شامالی و گفت به دولت و قوه قضائیه سهیم باشند ولی اگر سیاست ملکات و دولت وقت هتند -
فخلفینی خود از هر گروه و دستاوردی باشد پس چو قانون تدوین کرده اند و صحبت از دیکراسی میکنند. این قانون در قانون اساسی
قبل هم وجود داشت و بر آن هم قاضی هیچ الهام را جزو ملکات بر این منفره قضائیه میدانند و از هر کسی سگریفته زندانین سگریزند
ت: قوه قضائیه

۱- شورا شریان تکلیف شود از سه نفر از اینها که مکتوبی را دارد پس در دفتر ^{کتاب} است به غیر شکار رفتی بهر دستاورد
آن در دفترمانیه زیرا صراحت نظریات خود را در روزنامه هفت و پنجانی چاپ میکنند ولی اینان حال تمام می را دارند

۲- شورا می که قانونی را می فریاد است ندارد و مکتوبی را تکلیف شود
۳- چو اینها به شورا می تکلیف از شورا می است یا یکجا طرح و قوانین را تدوین و تقوی بکنند و شورا می (اسانی) فقط مسئول اجراء و
قوانین مطابق با شرایط آیینی است یا باشند. هر شورا می که یک نفر نیست از شورا می بجز شورا می دارد. شریاز سلمانان با هم فرق دارد
مگر قوانین قضائیه اسلام یکی نیست. مگر شورا می قبل کرده که یک منطقه از کشور آباد و منطقه دیگر خود به باشد بهیچ جهت بالایی
شورا می حالت تطبیق دهند را داشته باشد نه تدوین کننده. اگر یکجا قضائیه قانونی دارند چو آنکه آیینها هتند و هر چه را آنها بجز شورا می

صنایع گسترده و ذواتی باشند به حکم آینه بالیست هتند و در این قدرت سیاسی و نظای اجناس فریاد خواهند فریاد در حالیکه ایوان قدرت
سیاسی و نظای است و نه می تواند به حکم اسلام یک کشور چون خواهد باشد که ابایی طوفا متناسب با رفح و احتیاجات دافعی هتند
و تدوین شود. از وظایف شورا می شریانی طرح و ایجاد قوانین است: اگر ده استان (فرد شماری ها) تقویب کردند که کارخانه
ذوب آهن داشته باشند چه خواهد شد این ده طرح مطابق با نیاز کشور نیست لایه استانها را از او قوی خواهد کرد در چنین صورتی
چه نیازی به شورا می شریان بود و در مورد قوانین مدنی در کشورها هر ایالتی قانون مخصوصی دارد و حکومت مجری از این
ایالت بدان ایالت فرار میکنند تا چار ایالتها باینکه یک قانون استوار مجری هم داشته باشند. اگر ایران یک کشور
اسلامی است باینکه قوانین مدنی آنهم در همه جا یکی باشد اگر نیست محمل حکم میکنند که بر این سلامت جامعه و گری از قوانین
زیاد می و بی مورد ملک یک قانون کلی مدنی داشته باشد و لذا شورا می شریان نمیتوانند قانون تدوین کنند و بالایی
تابع شورا می عمومی و بی باشند و مگر نه اینکه اگر شورا می در یکجا جمع شوند قوانین بهتر و طوفا بهتر را می توانند هتند
و تقویب بکنند هم سر لغت و هم اینکه با حق و تبر بدینان و صبی تر هتند نمیشود و باز به حکم محمل تقسیم یک شورا می بزرگتر
نسبت به یک شورا می کوچکتر هم محاطه تر است و هم کمترین اشتباه در آن وجود دارد

۴- هر استان دارای دو شورا می باشد شورا می شریان - شورا می استانها. که ام یک از این شوراها دارای قدرت بشود
هتند هر که ام باشد قدرت تدوین زانلی است و اگر هر دو دارای یک قدرت هتند چو در هم ادغام شوند. آیا ادغام آنها
باجت خواهد شد که کارها سر لغت میسر شود. این جنبه ایراد در این طرح قانونی است

قوانین اسلامی

آنچه که شریان از قرآن و با تکیه به احادیث استخراج کرده در آن آزادی های فردی و قومی را برستی یا میکند و با ده مورد اگر
نخواهیم بصورت قانون در یکا در سطح منظر بنده انظار برسد.

اصل ۱۱۱ عموم مردم موظف هستند در حفظ و هدایت بر مبنای قرآن و بنیادین توحید پرستی و زبانی و قومی و ملی و اجتماعی خود را از این جهت حفظ نمایند (بر حکم آیات ۱۰۵۴ سوره آل عمران آیه ۱۳ صحرا - آیه ۴۳ سوره انفال آیه ۴۴ سوره مد - آیه ۱۰۱ سوره نساء سوره حجاب)

اصل ۱۱۲ هر قومی بزرگان خود سنی مکتوبه و مبعوث قومی حق ندارد زبان و فرهنگ و خصوصیات قومی خود را بر دیگر اقوام تحمیل کند و این ظلم است (از آیات که برای ماده ۱۱۱ ذکر شده بشود بجهت آیه ۸ سوره مائده آیه ۷۴ سوره قبه آیات ۱۰۵۱ سوره حجاب و ...)

اصل ۱۱۳ حکومت کنگره کان (قوله مجریه - مقننه - قضائیه) بایستی مسلمان باشند و مؤمنی (رویه بر مبنای بنی و تفکرات نه سنی و نه زراد - سوره انفال آیه ۱۴ آل عمران آیه ۱۱۸ آل عمران آیه ۵۰ سوره بقره آیه ۱۰۵ سوره قلم آیه ۶ و ۱۰ آیه ۱۴۲ بقره ۱۴۷ و ۱۴۸ و ...)

اصل ۱۱۴ ملتیتا در صلح و در بنیاه اسلام و قانون حاکم بر جامعه و بنی مسلمانان و آنگاه در اجرائی حکم به عدالت فرقی نیست (سوره مائده آیه ۸ سوره هود آیه ۱۱۸ سوره یونس آیه ۶۵ سوره روم آیات ۹ و ۱۰ و ۱۱ سوره نساء آیه ۵۸ و ۵۹ داستانهای شرح و تفسیر علامه خاوری اصل ۱۱۵ نمایندگان و حکومت کنگره کان بایستی عالم و عادل باشند - سوره بقره آیه ۱۹۲ سوره ن آیه ۱۰۵)

عالم به عموم میشود عالم بر محیط (معتد مکان و زمان را بشمارد) عالم بر شخصی که در رأس آن قرار بگیرد و یا به صورت گرفته میشود - عالم به اسلام یا یک انسان معنی شرط عادل بودن در انتخاب است نه در انتصاب و لذا عملاً گفته اند برای عدالت بین این بایستی دو انسان عادل شهادت بدهند و اگر قرار باشد بر عدالت آن در فرد و نفر عادل بیانند و نخواهیم اینی فرض را داده به هم بشود (اصل ۱۱۶ شرط عادل بودن یک شخصی در انتخابی بودن او میتواند باشد سوره نساء آیه ۱۳۵ - سوره نعل آیه ۷۵ سوره حجاب آیه ۶ سوره آل عمران آیه ۷ اصل ۱۱۷ حکومت اسلامی یک حکومت مشورتی است)

(سوره آل عمران آیه ۱۵۹ سوره طه آیه ۴۸ سوره نوح آیه ۱۰ سوره واقعه - قرآن بر همه نازل شد برای همه کسی بزرگتر ندارد تا در اسلام آن نخواهد حکومت بکنند. مگر اینکه مردم بخواهند حقوق خود را به نمایندگی کافی جامع و آگاه کننده از مردم اراده و هر وقت خواسته بستانند اصل ۱۱۷ تعداد نمایندگان به تعداد دانشمندان (نمایندگان اهل علم)

قانون سازان مکتوبه بر مبنای صلح و حفظ بهای بایستی به نسبت هر هزار نفر یک نفر باشند و در دادگاه باشد آیا برای حفظ آزادی و صلح قوانینی اصیاح نیست هر هزار نفر یک نماینده داشته باشد یا هر ۵ هزار نفر. مگر نخواهیم فقط دولت نفر را حاکم بر مردم و صلح بکنیم سوره یوسف آیه ۷۵ سوره مجادله آیه ۱۱ سوره هافات آیه ۲۴ سوره واقعه آیه ۷ و ۸ و ۹ سوره ن آیه ۵۱ و ۵۲ سوره مد آیه ۱۷

اصل ۱۱۸ رئیس جمهور از بنی مردم بر استان عینه نفس را گانه به مکتوبه و بارای م مردم است تا در انتخاب میشود (در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر سفیر مایه خود را بر مردم تحمیل نکنی. اگر کسی نخواهد خود را بر مردم تحمیل کند باید در انتخاب مردم باشد از میزان طرف رئیسی جمهور و الهی باشد آنچه بعد از بیوزان ماده بیان میشود استخراج از منبع البلاغه است و رویه اسلام و سعی من در اینی خواهم بود که ارتباط قوانینی را از مردم این ماده استخراج کنم سوره

اصل ۱۱۹ مافی بایستی هائو حاکم خورد تائیه مردم باشد و هم هر کار مافی شورائی باید نظارت کند مافی شریع خورد تائیه مردم بود در مینی حال اینی آیه شخصی مکتوبه که مردم بایستی مافی را انتخاب کند سوره ن آیه ۵۸ سوره آل عمران آیه ۱۸۷ سوره بقره آیه ۱۸۸ سوره روم آیه ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱

اصل ۱۲۰ یک ارتش مدرن مرکب از همه مسلمانان در همه جا و کشور حافظ استقلال مسلمانان باید باشد با سازشانه جاسوسی سوره ن آیه ۸۴ سوره انفال آیه ۶۰ سوره قبه آیات ۴۸ و ۴۹ سوره ن آیه ۷۱ سوره قبه آیات ۷۱ و ۷۲ سوره آل عمران آیه ۱۹۵

اصل ۱۲۱ معادن و کلیه نعمت ها مادی خدا دادی که خدای ارزش ما است و دست بشود در مسافت آن دخالت ندارد برای عموم مردم است (سوره بقره آیه ۹ سوره مکتوبه آیات ۴۴ و ۴۵ سوره مومنان آیه ۴۵ سوره احزاب آیه ۵۴ سوره احزاب آیه ۵۷ و ۵۸ و ...)

اصل ۱۲۲ قوانینا مدنی و کفیر می بایستی بر مبنای قانون اساسی و استخراج شد از قرآن در همه ایالتها بصورت یکسان اجراء شود (سوره حد آیه ۵ سوره مائده آیه ۴۸ سوره زمر آیه ۵۵ سوره بقره آیه ۲۰۸ سوره ن آیه ۵۹ و ...)

حواصی
آیات از خلاصه التفسیر حضرت آیت الله مدنی الهی قسسه می برگزیده شد. اگر کسی آیات به قرآن های دیگر مراجعه نمودید لطفاً یک آیه پس دیش آیاتی که بنی در اینجا گرد آورده ایم مطالبه بفرمائید

(استخراج و تکوینی مواد قانونی برای ایالتها مسلمان از روی اصل یادشود)

ماده ۱ کلیه اعضای (فوقه قضا، مجریه، قضائیه) باینجه مسلمان و توان زبان کتاب آسمانی نیریزفته باشند و اهل سنه و پیغم در موردشان صادی باشد
ماده ۲ مودم براساسی در حفظ زبان و کد اب و سنن خود را آزاد هستند و حق دارند زبان خود را تهریس کنند ولی سیستم آموزشی تمامی استانها یکسان و مطابق با نظریه وزارت آموزش و پرورش خواهد بود

ماده ۳ آزارهای و حقوق فردی و اجتماعی مودم تمامی استانهای کشور یکسان و همه در آنرا قانون اساسی کشور مشخص میکند
ماده ۴ قوانین مدنی و کیفری در کلیه استانهای کشور یکسان خواهد بود و برابری قانون کشور است

ماده ۵ اقلیت های مذهبی که اسلام آنها را بر سبب سنیانه (همچنان اهل کتاب) حق دارند در قوه مقننه عمومی خود بر نسبتی که قانون اساسی تعیین میکند نمایندگی داشته باشند (نقطه اثر براساس پرده خزان نفوس مسلمان این نمایندگی خواهد بود و هرگز خزان نفوس اقلیت یادشده نیز یک نماینده خواهد بود و اگر چه نصاب انتخابات بالا باشد و وجود آنها ۳۰ نماینده الزامی است)

ماده ۶ اکثریت حق ندارد شرایط آنکه رای بیشتری دارد حقوق همه اقلیت ها را نادیده بگیرد

ماده ۷ در صورت فقه آن یکی از اعضای (فوقه قضا، مجریه، قضائیه) در یا هر چند نفری از آنها به صورت (موقت - بازگشتی - باز نشاندن تغییر شکل دادن و یا مغزول شدن از مقام) کسی دیگری مطابق رویه قانونی جای او را خواهد گرفت

ماده ۸ دوره انتخابات و شرایط و حقوق اعضای (فوقه قضا، مجریه و قضائیه) و تعداد آنان را قانون اساسی ایالتها مشخص میکند
الف قوه مقننه

ماده ۹ نمایندگان روساها نماینده گانه و نماینده گانه ها نماینده گان استان را تشکیل خواهند داد (و نماینده گان استانها نماینده گان کشور است)
ماده ۱۰ شورای استان حق تمدین قوانین مدنی و جزائی را ندارند. شورای استان هر یکبار یکبار یکس تشکیل شود.

ماده ۱۱ شورای استان حق تصویب طرح و استفاده از منابع طبیعی را دارند که قانون اساسی و یا شورای است محدود آنرا شخصی کرده باشند و حق دارند طرح های شورای است را با شرایط اولیه منطقه تطبیق دهند و اگر آنرا از قوه مجریه استان بخواهند

ماده ۱۲ شورای استان حق نظارت و استیضای قوه مجریه و تقاضای دادگاه از قاضی استان برای مجریه قوه مجریه را دارند

ماده ۱۳ شورای استان نظارت کامل در دخل و خروج و در آنکه استان دارند و حق دارند برای آبادانی استان مالیاتهای مستقیم عادلانه، قانون تهیه و تصویب کنند و قوه مجریه مسئول در یافت آن خواهد بود

ماده ۱۴ دادستان و قاضی استان ناظر بر وصول مالیات خواهند بود و کسیکه قادر بر پرداخت آن نباشد حق دارند با ارائه دلائل به قاضی شکایت کنند مادر صورت محبت ادما از پرداخت آن معاف شوند

ماده ۱۵ شورای استان حق تصویب قوانین مالیاتی غیر مستقیم را ندارند (تامینت اجناس در سایر کشورها با) ب قوه قضائیه

ماده ۱۶ قاضی استان از قوه قضائیه و از بنی مقامات بزرگ شهرها بارای مودم استان انتخاب خواهد شد

ماده ۱۷ دادستان کل استان (مدعی العموم) از قوه قضائیه بارای مودم استان انتخاب خواهد شد

ماده ۱۸ رئیس شهر با بنی کل استان با نظر قاضی و دادستان استان از بنی مقامات بالای شهرها استانها منصوب میشود
ماده ۱۹ افراد شهر با بنی از افراد محلی استان مطابق رویه یکسان ملکیتی آموزشی دین و در استخدام و امور قوه قضائیه خواهند بود

ماده ۲۰ افراد نظامی (ارتشها) از امور قوه قضائیه خارج هستند مگر کسی خصوصی داشته باشند و یا در تعقیب قانونی دادستانی استان باشند (ارتش مختلف از اتمام یکپارچه و بسته در اختیار دولت مرکزی برای پارادایمی از ملکیت در هر استانها و در ارتش)

ماده ۲۱ دادستان کل استان حق دارد از طریق فرماندهان یا دادگاران نظامی قضای وایع در استانها سابقه کار او جاکو استون پنجم دشمن را تعقیب کند و ارتش ایران دستگیر مجرمین آنان را به دادگاه استان مربوطه تسلیم خواهد کرد

ماده ۲۲ دادستان کل استان حق دارد بر علیه کلیه مقامات (مقامات شهرها - استانها - شهرها - نماینده گان شورای استان، اعضای قوه مجریه و ...) و مجرمین استان کیفرخواستی تسلیم قاضی استان بنجایه و بر علیه خود قاضی استان به قاضی القضاات کشنده شکایت کند و مودم حق دارند شکایات خود را از مقامات استان از طریق دادستان کل

دنبال و تقاضای دادگاه نمایند

ماده ۲۳ قاضی حق دارد مطابق قانون ملکیتی و اختیاراتی که قانون برایش در نظر گرفته قضاوت کند

ماده ۲۴ قاضی استان حق دارد قضاتی را مأمور قضاوت در پراکنده‌های قضایی مستقر در استان بنماید
ماده ۲۵ دادستان هر پراکنده قضایی از بین افراد قضایی که مستقیماً قضائی دارند و برای افراد قضایی انتخاب خواهد
ماده ۲۶ دادگاهها در هر صورت محلی و مکرری از مسلمانان بایستی ناظر بر دادگاه باشند
ماده ۲۷ خبرنگاران و یا بر شخصی ناظمی حق دارد رویدادهای دادگاهها را از طریق روزنامه برای آگاهی مردم
نشر دهند و در صورت نشر به خلاف قانوناً قابل تعقیب خواهند بود.

ماده ۲۸ کلیه تخلفات و جرائم مقامات استان بایستی پس از ثبوت از طریق رسانه‌های استان به اطلاع مردم آید
ماده ۲۹ مقامات استانی (اعضای قوه مقننه - مجریه و قضائیه) پس از اینکه جرمشان به ثبوت رسیده بارای قاضی از مقام
خود معزول و حداکثر یک دوره در هیچکدام از استانهای مملکت حق شرکت در انتخابات (انتخاب شدن و انتخاب کردن)
را ندارند و تا این مدت مقامات بایستی تراز معاونین پیشکاران استان خواهد بود و آثر از اعضای قوه قضائیه
باشند بایستی بطور کلی از بازپرسی و قضاوت تامدنی که تا زود مملکتی اعلام میگردد محروم باشند
ت: قوه مجریه

ماده ۳۰ استاندار از بین سفوای رئیس جمهور برای مردم استان انتخاب میشود
ماده ۳۱ استاندار از بین نمایندگان وزیران واقع در وزارتخانه‌های استان از هر وزارتخانه یک نفر را انتخاب و به شورای
استان معرفی خواهد کرد تا پس از تائید مقام آری از طریق شورای استان بنام اعضای قوه مجریه استان یا هیئت
پیشکاران مشغول بکار شوند.

ماده ۳۲ هیئت پیشکاران در مقابل یکدیگر و استاندار و شورای استان در اجرای وظایف مافوقی خود مسئولیت دارند
ماده ۳۳ اگر هیئت پیشکاران نتوانند مشکلات ادارات و اسباب خود را با یکدیگر حل کنند برای حل آن به شورای استان
مراجعه خواهند کرد.

ماده ۳۴ هیئت پیشکاران معاونین خود را انتخاب و به شورای استان معرفی و تائید نظر شورای استان در بار خواهند کرد
ماده ۳۵ قوه مجریه حق محدود از تازن مملکت را ندارند و کلیه بخشنامه‌ها و فرامین استاندار و هیئت پیشکاران و معاونین آنها بایستی
مطابق با روح قانون مملکت و مغایر با آن نباشد.

ماده ۳۶ استاندار حق ندارد بدون نظر شورای استان هیئت پیشکاران و یا معاونین آنها را از مقامات معزول کند
ماده ۳۷ اعضای پیشکاران حق ندارند معاونین خود را بدون نظر شورای استان از مقامات معزول کنند.
ماده ۳۸ استاندار حق دارد طبق ماده ۲۲ بجای دادستان محل نماینده و به عملیه دادستان کل استان نیز به قاضی استان شکایت

ماده ۳۹ شهر دار بر شهر مردم حق شهر انتخاب خواهد کرد
ماده ۴۰ قاضی بزرگ هر شهر از بین اعضای قوه قضائیه بارای مردم انتخاب خواهد شد
ماده ۴۱ دادستان هر شهر بارای دادستان کل استان و استاندار انتخاب میشود

ماده ۴۲ رئیس شهر بانی هر شهر از بین اعضای شهر بانی با نظر قاضی و دادستان انتخاب میشود
ماده ۴۳ رئیس کل شهریها با نظر رئیس شهر بانی و قاضی و استاندار انتخاب میشود
ماده ۴۴ قضات فواید مختلف شهر یا کل شهریها و باز میسر با نظر قاضی شهر و دادستان شهر انتخاب میشود

ماده ۴۵ شورای شهر حق دارند در امور ادارات نظارت کنند و گزارشهای برای اصلاح به هیئت پیشکاران و ادارات
ارسال دارند و جواب آنها دریافت دارند
ماده ۴۶ در امور قوه قضائیه و استقلال قضا هیچکس حق دخالت ندارد و اظهار نظر ندارد و می‌تواند شکایت خود را تسلیم داد

شهر بنماید
ماده ۴۷ دادستان شهر حق دارد از قضات فواید و دیگر مقامات به قاضی بزرگ شهر شکایت و از قاضی بزرگ به قاضی
استان شکایت بنماید

ماده ۴۸ شهردار حق دارد با رعایت ماده ۴۷ از دادستان شهر به قاضی شهر شکایت کند
ماده ۴۹ اگر در دادگاهها معلوم شود مقامات استانی و شهرها بر علیه یکدیگر توطئه میکنند و بیکدیگر توطئه می‌کنند و مقصد مقصودین
از مقام خود بلبه فاصله معزول و تا یک دوره حق (انتخاب شدن و انتخاب کردن) را ندارند